

تاریخچه روانپزشکی در تبریز

دکتر سید محمدعلی قریشی زاده^(۱)

چکیده

در این مقاله سرگذشت بیماران روانی در تبریز و پیشینه روانپزشکی در این شهر مرور شده است و نگاهی به تاریخچه روانپزشکی قدیم و نوین در تبریز و سیر تکاملی آن دارد. در تاریخچه قدیم طب و روانپزشکی در تبریز، نام دانشگاه ربع رشیدی و بیمارستان‌ها و خدمات پزشکی آن قابل ذکر است. بزرگ‌ترین بیمارستان در ایران در قرن هشتم هجری یا سیزدهم میلادی که مقارن با قرون وسطی در غرب بود، توسط خواجه رشیدالدین فضل‌اله همدانی در شهر تبریز، پایتخت آن زمان امپراتوری بزرگ ایران در دانشگاه ربع رشیدی بنا نهاده شد و در آن مداوای بیماران از جمله بیماران روانی به طرز اخلاقی و با علم روز انجام می‌شد؛ با این حال، متأسفانه فقط بیست سال دوام داشت و پس از قتل خواجه با خاک یکسان شد. بعد از آن تا زمان تأسیس دانشگاه تبریز در سال ۱۳۲۹ شمسی و دانشکده پزشکی و بخش روانپزشکی در سال ۱۳۳۱، وضع روانپزشکی و مراقبت بیماران دورانی بسیار نابسامان و آشفته را گذرانده است.

کلیدواژه: تاریخچه؛ روانپزشکی؛ تبریز

[دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۸/۱۹؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۳]

مقدمه

نهاده شد که مدرسه رشديه نام داشت. نخستین کودکان کدکستان و نخستین مدرسه کر و لال‌ها در ایران باز هم در تبریز توسط جبار باغچه‌بان در سال ۱۳۰۳ علی‌رغم مخالفت رئیس فرهنگ وقت تأسیس شد (۴). در واقع می‌توان گفت تاریخچه روانپزشکی تبریز با تاریخچه فرهنگی و اجتماعی آن و نیز تاریخچه پزشکی، علوم و تأسیس دانشگاه و مراکز آموزش عالی رابطه نزدیک دارد و قدمت روانپزشکی در این استان کم و بیش به قدمت مراکز آموزش عالی به‌خصوص مراکز پزشکی برمی‌گردد (۴، ۵). در طول تاریخ ایران، سه مرکز آموزش عالی در قدیم در تبریز وجود داشته که شامل رصدخانه مراغه، ربع رشیدی و دارالفنون تبریز است و یک مرکز جدید یعنی دانشگاه تبریز؛ که به‌طور خلاصه در اینجا توصیف می‌شوند (۶).

۱- رصدخانه مراغه

قدیمی‌ترین مرکز آموزش عالی آذربایجان به‌شمار می‌آید که بیش از هشتصد سال قبل تأسیس شده است. این

آذربایجان یکی از استان‌های مهم ایران و زادگاه بزرگانی چون قطران، خاقانی، ابوالعلائی گنجوی، اوحدی مراغه‌ای، شیخ محمود شبستری و استاد محمدحسین شهریار است و یکی از مهدهای فرهنگ غنی ایران در ادوار مختلف به‌شمار می‌آید (۱). تبریز مرکز این استان، به‌عنوان بازوی توانای آذربایجان که همواره به منزله سر و گردن ایران از آن یاد شده یکی از مراکز مهم تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور در طول قرن‌ها بوده است. این شهر در طول تاریخ دوره‌های طلایی متعددی را سپری ساخته است؛ دوران پایتختی، ولیعهدنشینی و عصر شکوفایی تجاری، اقتصادی و هنری (۲). اما تبریز از بلایای زمینی و آسمانی در امان نمانده؛ زلزله‌ها، سیل‌ها، بیماری‌های واگیر و جنگ‌ها به‌خود دیده و اثرات مخرب فراوانی را تحمل کرده است. چهار زلزله ویرانگر و مهم تاریخی در تبریز در سالهای ۲۴۴، ۴۳۴، ۶۷۱ و ۱۱۹۳ هجری قمری رخ داده است (۳). نخستین مدرسه ایرانی در تبریز در سال ۱۲۶۷ توسط حاجی میرزا حسن رشديه بنا

^(۱) روانپزشک، استاد دانشگاه علوم پزشکی تبریز؛ تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز. دورنگار: ۰۴۱۱-۳۸۰۳۳۵۱-goreishm@tbzmed.ac.irE-mail:

مرکز دانشگاهی قدیم توسط خواجه نصیرالدین طوسی، دانشمند نامی ایران، بنا نهاده شد و شامل رشته‌های ریاضی، فیزیک و نجوم بود. این مرکز دارای کتابخانه‌ای با بیش از ۴۰۰۰۰ جلد کتاب بوده و دانشمندان زیادی از نقاط مختلف جهان به آن روی می‌آورده‌اند (۵، ۶).

۲- ربع رشیدی تبریز

بزرگترین بیمارستان در ایران در قرن هشتم هجری یا سیزدهم میلادی که مقارن با قرون وسطی در غرب بود، توسط خواجه رشیدالدین فضل‌اله همدانی وزیر غازان‌خان در شهر تبریز، پایتخت آن زمان امپراتوری بزرگ ایران بنا نهاده شد. ربع رشیدی در واقع شهرکی علمی بود که در دامنه کوه‌های سرخاب در محله باغمیشه تبریز تأسیس گردیده و به‌عنوان مرکزی بین‌المللی و نخستین شهرک دانشگاهی جهان شناخته شده است. این شهرک علمی شامل کتابخانه، مدرسه، مسجد، بیمارستان، دانشگاه، دارالایتم و کارگاه‌های صنعتی بود. در بخش آموزشی‌درمانی این مرکز، ۵۰ پزشک از کشورهای هند، مصر و چین عهده‌دار خدمت بودند و همه نوع بیماری از جمله بیماری‌های روانی را مداوا می‌کردند. خواجه برای تأمین مخارج آن، املاک فراوانی را در نقاط مختلف جهان از جمله ایران قدیم، افغانستان، عراق، گرجستان، روم، آذربایجان و سوریه وقف این مرکز کرده بود. خوشبختانه نسخه اصلی و خطی وقفنامه تا کنون حفظ شده و هم‌اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز نگهداری می‌شود. وقفنامه ربع رشیدی یا منشور دانشگاه هفتصد سال پیش تبریز، در سال ۱۳۸۶ جزو اولین آثار مکتوب ایران، در حافظه جهانی یونسکو ثبت شده است. به دلیل پزشک‌بودن خود خواجه رشیدالدین و علاقه وافر غازان‌خان و سایر ایلخانیان به امر طبابت، دارالشفا و یا بیمارستان و دانشکده پزشکی ربع رشیدی تبریز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. رئیس دارالشفا محمد ابن‌نیللی بود که به جالینوس زمان معروف شده بود. هر پزشک آن‌جا علاوه بر مداوای بیماران، پنج تا ده دانشجو را نیز تعلیم می‌داد. هم‌چنین هر استاد، دستیاری برای خود داشت و جالب این‌که پزشکان و دستیاران، مقیم بیمارستان بودند و در کنار بیمارستان خوابگاه داشتند؛ یعنی چیزی شبیه پاپیون و تمام‌وقت بودن پزشکان امروز. مدت تحصیل در دانشکده پزشکی پنج سال بود. پس از این مدت، چنان‌که دانشجو قادر به معالجه بیماران شناخته

می‌شد، «اجازت» یا به تعبیر امروزی «دانشنامه» دریافت می‌کرد. دانشجویان صبح‌ها به‌صورت نظری و عصرها به‌شکل عملی آموزش می‌دیدند و چنان‌که گفته شد دانشجویان طب مانند سایر طلبه‌ها به‌طور شبانه‌روزی در مرکز بودند و همه مایحتاج آنها به نحو احسن تأمین می‌شد. آنها «صابون‌بها» (پول نظافت)، «حلوایبها» (پول تغذیه) و «جامه‌بها» (پول پوشاک) دریافت می‌کردند (۸-۵).

پزشکان خارجی زیادی از کشورهای مصر، شام، چین، هند و... در دارالشفا گرد آمده بودند و دانشگاه کاملاً جنبه بین‌المللی داشت. کتابخانه مرکز بیش از ۶۰۰۰۰ جلد کتاب در زمینه‌های گوناگون علمی و به زبان‌های مختلف جهان را دارا بود. این دانشگاه به مدت بیست سال دایر بود و متأسفانه پس از به قتل رسیدن خواجه در سال ۷۱۸ هجری قمری توسط رقیبش تاج‌الدین علی‌شاه و در دوره حکومت سلطان ابوسعید، این مجتمع غارت و با خاک یکسان شد. در سال ۱۰۱۹ هجری قمری شاه عباس صفوی بر روی بخشی از ویرانه‌های ربع رشیدی با استفاده از مصالح ربع رشیدی و گورستان‌های تبریز، قلعه‌ای برای حاکم تبریز ساخت. در سال‌های اخیر با توجه به اهمیت و ویژگی‌های منحصر به فرد این مرکز علمی-آموزشی و وقفی، تلاش‌های ارزنده‌ای در جهت احیای ربع رشیدی شده است (۸-۵).

۳- دارالفنون تبریز

دارالفنون تبریز اولین مدرسه آموزش عالی جدید در آذربایجان به شمار می‌آید و در سال ۱۲۹۳ هجری قمری در عهد ناصرالدین شاه قاجار در تبریز گشایش یافت. این مرکز دومین مرکز آموزش عالی جدید ایران است و پس از دارالفنون تهران تأسیس شد. دارالفنون تهران یکی از گام‌های ارزنده زنده‌یاد میرزا تقی‌خان امیرکبیر در راستای برنامه‌های نوسازی او در دوران صدارتش بود. دارالفنون تبریز سهم مهمی در تربیت نسلی از روشنفکران آذربایجان دارد، به‌طوری‌که فارغ‌التحصیلان این مدرسه به شغل‌های مهمی در ادارات لشکری و کشوری برگزیده می‌شدند. دارالفنون تبریز که به «مدرسه مظفری تبریز» نیز معروف است در طول حیات بیست‌ساله خود اطباء حاذقی تربیت کرده، به طوری که معروف‌ترین پزشکان شهر تبریز در صد سال گذشته از میان آنها بوده و منشأ خدمات بسیاری به بیماران از جمله بیماران روانی شدند. افسوس که این مرکز نیز مانند ربع رشیدی بیش از بیست سال دوام نداشت (۸، ۹).

۴- دانشگاه تبریز

«دارالمجانین تبریز» وجود داشت. این مرکز در کنار دارالتربیه قرار داشت و از سال ۱۳۱۲ مورد بهره‌برداری بود (شکل ۱).



شکل ۱- دارالمجانین تبریز

این مرکز توسط هیئت مدیره‌ای مرکب از آقایان جلیلی، رفیعی، واعظ، جاویدمنش، سرهنگ سیف، دکتر توفیق، جهانگیر، چایچی، کمپانی، نخجوانی، بافته، صدقیانی، نوبخت، ارومچی، میرزا محمد حسین شجاعی، بیت‌اله و عمیدی مدیریت می‌شد (شکل ۲). در این مکان، بیماران روانی شدید به غل و زنجیر کشیده می‌شدند و نگهداری آنها به شیوه‌ای غیر انسانی بود. سالها بعد، دارالمجانین به تیمارستان تغییر نام یافت اما از روانپزشک خبری نبود و گاه یک یا چند پزشک عمومی نظارت می‌کردند. تا سال ۱۳۵۳ این مرکز یک مرکز غیر آموزشی با ظرفیت ۹۰ تخت بود. ترتیب پذیرش بیماران به این گونه بود که شهرداری‌های استان، بیماران را همراه با مبلغ واریزی به‌عنوان هزینه درمان که در

فکر تأسیس دانشگاه در تبریز برای اولین بار در سال ۱۳۲۵ شمسی و بعد از جنگ جهانی دوم توسط پیشه‌وری سرکرده فرقه کمونیستی دست‌نشانده شوروی با نام «آذربایجان یونیورسیتیه‌سی» ایجاد شد. این مرکز بعد از یک سال، با منحل شدن حزب و به قدرت رسیدن حکومت مرکزی از بین رفت، اما با همت و پافشاری مردم و بنا به درخواست‌های مکرر آنها فکر تأسیس دانشگاه در تبریز از بین نرفت و بالاخره «دانشگاه آذربادگان» به‌عنوان دومین دانشگاه ایران بعد از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۲۶ شمسی تأسیس شد. این دانشگاه ابتدا شامل دو دانشکده پزشکی و ادبیات بود. در سال ۱۳۲۹ با انتخاب آقای خان‌بابا بیانی به‌عنوان اولین رئیس دانشگاه، این مرکز علمی به‌طور رسمی شروع به کار نمود (۱۱). دانشکده پزشکی با یک بیمارستان ۱۵۰ تختخوابی فعالیت خود را آغاز کرد. ساختمان دانشکده ابتدا به‌صورت استیجاری در داخل شهر بود و از سال ۱۳۴۵ به محل اصلی در دانشگاه فعلی تبریز منتقل شد. دوره پزشکی عمومی تا سال ۱۳۳۶ شش سال بود که از آن پس به هفت سال تغییر کرد. این دانشکده در اولین دوره خود در سال تحصیلی ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ در مجموع ۶۱ نفر فارغ‌التحصیل داشت. از سال ۱۳۴۶ دانشکده پزشکی تبریز اقدام به پذیرش دستیار تخصصی (رزیدنت) در برخی رشته‌ها نمود. پس از انقلاب اسلامی نام آذربادگان به دانشگاه تبریز تغییر کرد. در اجرای قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، از تابستان سال ۱۳۶۵ دانشگاه علوم پزشکی تشکیل گردید و دانشکده‌های وابسته از دانشگاه تبریز جدا شدند. با تأسیس دانشگاه و دانشکده پزشکی و بخش‌های آموزشی و درمانی از جمله بخش روانپزشکی، مانند همه شهرهای دانشگاهی ایران، در تبریز نیز مراقبت از بیماران روانی تغییری فاحش کرد و روانپزشکی مدرن پایه‌گذاری گردید. دو بیمارستان روانپزشکی آموزشی در تبریز در طول پیدایش دانشگاه وجود داشته که شامل بیمارستان تپلی باغ و بیمارستان رازی تبریز است. مرور تاریخچه این دو بیمارستان برای مطالعه تاریخچه روانپزشکی تبریز ضرورت تام دارد و لذا در این جا به این دو موضوع پرداخته می‌شود (۹، ۱۰).

۵- بیمارستان تپلی باغ تبریز

پیش از تأسیس دانشگاه تبریز در محله تپلی باغ، ساختمانی برای نگهداری بیماران روانی به نام



شکل ۲- هیئت مدیره دارالتربیه و دارالمجانین تبریز

خاقانی بود که در سال ۱۳۳۸ وارد دوره آموزشی شد و مدتی نیز در خارج کشور دوره تکمیلی را گذراند. او پس از بازگشت به ایران، به مدت یازده سال مسئول آموزش در بخش اعصاب و روان دانشگاه تبریز بود. در سال ۱۳۴۶ به دنبال وقایع اعتصاب بزرگ دانشجویان دکتر هوشنگ منتصری به ریاست دانشگاه منصوب شد و تغییراتی در وضعیت کلی دانشگاه به وجود آورد. در این تغییرات، چهارده استاد اخراج یا بازنشسته شدند که از آن جمله دکتر هدایت خاقانی نیز بازنشسته شد. دکتر منتصری تعدادی استاد فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا را استخدام کرد که دو نفر از آنان روان‌پزشک بودند؛ دکتر گلچین و دکتر امانت. در آن زمان دکتر محمد خانلو هم رزیدنت روانپزشکی بود. اما استادان از آمریکا آمده، خیلی دوام نیاورده و بالاخره دانشگاه را ترک کردند. کار به آن جا رسید که برای چند سال آموزش روانپزشکی توسط اساتید پروازی مانند آقای دکتر جهانستان از تهران تأمین می‌شد و برای مدتی چند پزشک عمومی در بخش روانپزشکی به درمان اشتغال داشتند. بخش روانپزشکی (که آن زمان جزیی از اعصاب بود) بدون استاد ماند. در سال ۱۳۵۳ دکتر حسین محمد خانلو در رشته روانپزشکی از دانشگاه تبریز فارغ‌التحصیل شد و به فاصله‌ای کوتاه ریاست بیمارستان روانپزشکی تپلی باغ را به عهده گرفت و این بیمارستان محل آموزش روانپزشکی شد. این مرکز سال‌ها توسط دکتر خانلو اداره می‌شد تا این که خانم دکتر اورسولا مهرگان آلمانی که

آن زمان یک‌صد و ده تومان در ماه بود، توسط مأموری به این مرکز می‌فرستادند و بیماران بدون هرگونه تشریفات و بدون پرونده روانپزشکی بستری می‌شدند. سالها پس از تأسیس دانشکده پزشکی (۱۳۲۶)، جهت آموزش بیماری‌های روانی و با احساس ضرورت وجود بخش روانی، بیمارستان تپلی باغ به بیمارستان روانپزشکی تپلی باغ تغییر نام داد و آموزش روانپزشکی در آن مرکز آغاز شد. از آن زمان بیماران با روش‌های علمی روز مورد مراقبت قرار گرفتند، اما بیماران مقیم آن‌جا به دلیل نداشتن حمایت‌های اجتماعی یا خانوادگی هم‌چنان در بیمارستان ماندگار شدند. آموزش به صورت نظری با بیماران سرپایی انجام می‌شد و بیماران حاد روانی کمتری به دلیل نبودن تخت خالی بستری می‌شدند (۸-۱۰). پایه‌گذار نوروسپیکیاتری در تبریز شادروان دکتر هدایت خاقانی فارغ‌التحصیل فرانسه بود که در اواسط سال ۱۳۳۰ خورشیدی بخش اعصاب دانشکده پزشکی تبریز را در تقاطع خیابان ارتش و باغشمال امروزی بنیان نهاد. همان‌طور که گفته شد در آن زمان تپلی باغ مرکز نگهداری بیماران مزمن و عقب‌مانده بود. آقای دکتر خاقانی گاهی بیماران روانی را از تپلی باغ به منظور تدریس عملی روانپزشکی و آشنایی دانشجویان با علایم و نشانه‌های بیماری‌های روانی و طرز رفتار بیماران و نیز تکنیک‌های مصاحبه به این مرکز می‌آوردند. دکتر خاقانی تا سال ۱۳۴۶ تنها استاد نوروسپیکیاتری بود. اولین دستیار اعصاب و روان این بخش، آقای دکتر نصرت‌اله خاقانی برادر کوچک استاد هدایت

وابسته به اداره بهزیستی و توان بخشی بود. فضای فیزیکی این بیمارستان با قرار گرفتن بلوک‌های ساختمانی دو طبقه‌ای با زیر بنای ۱۲۰۰ متر مربع و با فواصل مناسب از یکدیگر، زیبایی خاصی را به این بیمارستان داده است. در سال ۱۳۵۳ این بیمارستان با زیربنای تقریبی ۱۱۰۰۰ متر مربع، ۲۵۰ تخت مصوب و امکانات پاراکلینیکی EEG، ECT، رادیولوژی و آزمایشگاه به بهره‌برداری رسید و در سال ۱۳۵۴ با سه بخش روانی، معتادین و ریوی، در عمل کار خود را آغاز نمود (۱۰) از سال ۱۳۷۸ ساختمان جدید نیز که توسط انجمن خیریه نوبر با ظرفیت ۳۰۰ تخت و زیربنای ۸۴۰۰ متر مربع در چهار طبقه احداث شده، مورد بهره‌برداری قرار گرفت. هر بخش آن دارای ۹۶ تخت و ۱۶۰۰ متر مربع مساحت است. بیمارستان رازی تا سال ۱۳۶۲ تنها توسط یک روانپزشک ثابت، مرحوم دکتر علی شعاری، که از کشور ترکیه فارغ التحصیل شده بود با کمک چند پزشک عمومی و نیز روانپزشکان مشمول برنامه طرح یک‌ماهه که از تهران می‌آمدند اداره می‌شد. در سال ۱۳۶۲ این جانب (نویسنده مقاله) در این مرکز مشغول به کار شدم و با تلاش خود سعی در بهبود وضعیت بیماران و بخش‌های درمانی نمودم؛ اقدام به نوشتن شرح حال بیماران کردم و بیماران مزمن و نیاز به حمایت را جدا از بیماران حاد قرار دادم. بخش‌های مختلف با نام تازه ایجاد شدند، داروهای مورد نیاز درخواست و به روش روانپزشکی روز درمان بیماران شروع شد. دکتر شعاری با فاصله اندکی کنار رفت و این جانب تنها روانپزشک بیمارستان بودم و با کمک همان پزشکان عمومی و طرحی و گاه همکاری جناب آقای دکتر نصرت‌اله خاقانی که بازنشسته دانشگاه بودند و کمک تنها رزیدنت روانپزشکی تپلی باغ مراقبت‌های روانپزشکی بیماران انجام می‌شد. پس از تلاش زیاد و با همکاری دکتر پورافکاری همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، در سال ۱۳۶۵ بیمارستان تپلی باغ منحل و دکتر پورافکاری و بیماران آن مرکز به این بیمارستان انتقال یافتند و امر آموزش و درمان بدین وسیله جان تازه‌ای گرفت. از آن تاریخ پیشرفت‌های بیشتری به دست آمد و بیمارستان رازی به عنوان مرکز آموزشی درمانی روانپزشکی به فعالیت خود ادامه داد. در سال ۱۳۶۲ بخش ریوی این بیمارستان منحل و به مرکز درمانی سینای تبریز انتقال یافت و آن بخش نیز در اختیار روانپزشکی قرار گرفت. با فارغ التحصیل شدن رزیدنت‌های مرکز و شروع به کار آنها در بیمارستان رازی،

همسرش ایرانی و استاد فلسفه بود به بیمارستان تپلی باغ (بخش آموزشی روانپزشکی) آمد. دکتر اورسولا مهرگان به خوبی فارسی صحبت می‌کرده و پیرو مکتب آلمان و روانپزشکی فرویدی بود. او تا سال ۱۳۵۶ در ایران اقامت داشت. در این سال، دکتر نصرت‌اله پورافکاری چهره شناخته شده روانپزشکی کشورمان به گروه اعصاب و روان تبریز پیوست و همراه با دکتر خانلو گروه را اداره کردند.

دکتر پورافکاری که فارغ التحصیل ایالات متحده آمریکا بود با شروع به کار در بیمارستان تپلی باغ تحولی جدید و تغییراتی فاحش به وجود آورد. اولین شرح حال‌های بیماران این مرکز توسط او نوشته شده است. در سال ۱۳۶۳ دکتر خانلو به تهران عزیمت کرد و با رفتن او دکتر پورافکاری تا سال ۱۳۶۵، تنها روانپزشک بیمارستان تپلی باغ بود و ریاست آن را نیز به عهده داشت. در آن سال‌ها بیماران تپلی باغ منحصر به بیماران مزمن و عقب مانده بود و دکتر پورافکاری برای تدریس روانپزشکی عملی از بیماران بیمارستان رازی تبریز استفاده می‌کرد. دکتر پورافکاری در کنار کار خود، اقدام به ترجمه کتاب‌های مهم روانپزشکی کرد و بیشتر از این طریق شهرت یافت و در سراسر کشور به عنوان روانپزشک خوب میهن‌مان شناخته شد. دکتر پورافکاری در سال آخر خدمت خود در بیمارستان تپلی باغ، یک نفر رزیدنت روانپزشکی پیدا کرد که بعدها به گروه پیوست. در سال ۱۳۶۵ بیمارستان تپلی باغ برچیده شد و بیماران آن به بیمارستان رازی تبریز انتقال یافتند. آموزش روانپزشکی در این مرکز با همکاری دکتر پورافکاری و دکتر قریشی زاده ادامه یافت و وضعیت آموزش بهتر شد؛ چون این مرکز امکانات بیشتری داشت و از فضای آموزشی و کادر بیشتری برخوردار بود. دکتر قریشی زاده در آن زمان عضو هیئت علمی نبود و از سال ۱۳۶۸ به عضویت هیئت علمی درآمد. بیمارستان تپلی باغ پس از تغییراتی که در ساختمان آن داده شد، اکنون کماکان در اختیار دانشگاه علوم پزشکی است، اما به منظورهایی دیگر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (۶، ۱۰).

۶- بیمارستان رازی تبریز

این بیمارستان در سال ۱۳۵۱ در جاده ائل گلی در زمینی به مساحت ۸/۵ هکتار با چشم‌اندازی بسیار زیبا و سرسبز، در یکی از مناطق خوش آب و هوای تبریز برای نگهداری بیماران روانی و ریوی (مسلولین) احداث شد که در آن زمان

1- Electroencephalography

2- Electroconvulsive Therapy

تعداد روانپزشکان روز به روز بیشتر و وضعیت آموزشی درمانی بهتر شد. بیمارستان رازی که به مرکز آموزشی درمانی رازی معروف است، امروزه بزرگ‌ترین و تنها مرکز روانپزشکی در سطح استان به شمار می‌رود و دارای ۱۸ بخش، ۶۵۰ تخت فعال (۵۸۲ تخت روانپزشکی و ۶۸ تخت غیر روانپزشکی شامل نورولوژی، داخلی و ICU) و بخش‌های پاراکلینیک از جمله رادیولوژی، سونوگرافی، اکوکاردیوگرافی، آزمایشگاه تخصصی، فیزیوتراپی، EMG و EEG و نیز ECT است. در تبریز تا به امروز بیمارستان روانپزشکی خصوصی وجود نداشته و همان‌طور که گفته شد رازی مهم‌ترین مرکز روانپزشکی استان است. تنها بیمارستان قابل ذکر دیگر بیمارستان روانپزشکی فجر، وابسته به بنیاد شهید و امور ایثارگران تبریز، است که در سال ۱۳۸۱ تأسیس شده و تنها دارای بخش مردانه با ظرفیت ۵۰-۳۰ تخت می‌باشد که به مراقبت‌های روانپزشکی جانبازان اختصاص دارد (۹، ۱۰).

نیروهای تخصصی و انسانی مرکز

در حال حاضر در گروه روانپزشکی، ۱۱ نفر عضو هیئت علمی شامل دو استاد، پنج دانشیار و چهار استادیار فعالیت دارند که از این تعداد یک نفر دکتر روانشناسی بالینی، سه نفر فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان و بقیه متخصص روانپزشکی عمومی هستند. علاوه بر این تعداد، دو نفر روانپزشک مشغول گذراندن دوره‌های فلوشیپ طب روان‌تنی و طب سالمندی هستند که به زودی به اعضای فوق اضافه خواهند شد. هم‌چنین چند روانپزشک غیر عضو هیئت علمی در بخش‌های درمانی بیمارستان فعالیت دارند. از سایر امکانات گروه می‌توان به بخش و درمانگاه روانپزشکی کودک و نوجوان و نیز مرکز تحقیقات علوم روانپزشکی بالینی در بیمارستان رازی اشاره کرد.

گروه روانپزشکی از سال ۱۳۷۵ به عنوان گروهی مستقل شروع به کار کرده و پیش از آن مدتی با گروه‌های پوست، عفونی و نورولوژی و زمانی با گروه داخلی و سه سال نیز با گروه نورولوژی توأمان فعالیت داشته است. اولین مدیر گروه دکتر پورافکاری بود که مدیریت او سال‌ها تکرار گردید. سپس دکتر قریشی‌زاده و دکتر ایوب مالک مدیریت گروه را عهده‌دار شدند. اولین اعضای گروه شامل پورافکاری، قریشی‌زاده، وفایی، ارفعی، مالک، سیروس مینی (کارشناس ارشد روانشناسی بالینی) و نیز زنده‌یاد دکتر سعید شهرآرا (روانشناس بالینی) بودند. اولین رزیدنت در سال ۱۳۶۰ دکتر باقر وفایی بود. در ۱۳۶۵ دکتر اصغر ارفعی به عنوان رزیدنت

پذیرفته شد و در سال ۱۳۷۰ دکتر مالک؛ پس از آن پی در پی در هر سال رزیدنت مورد پذیرش قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، هر سال هفت یا هشت نفر رزیدنت جدید پذیرش می‌شوند. در حال حاضر، ۲۴ نفر رزیدنت روانپزشکی در این مرکز مشغول گذراندن دوره آموزش خود هستند و تا کنون بیش از ۱۰۰ نفر فارغ‌التحصیل روانپزشکی از تبریز وارد جامعه روانپزشکی کشور شده است (۸). انجمن روانپزشکی شاخه تبریز نیز در سال ۱۳۸۴ با انتخاب دکتر قریشی‌زاده به عنوان رئیس و دکتر نابدل به عنوان دبیر شروع به کار کرد. هم‌اکنون دکتر نابدل ریاست انجمن را به عهده دارد و نزدیک به پنجاه نفر روانپزشک در استان فعالیت می‌کنند. از روانپزشکان پیش‌کسوت استان می‌توان آقایان دکتر نصرت‌اله خاقانی، محمد خانلو، نصرت‌اله پورافکاری، محمدعلی قریشی‌زاده و باقر وفایی را نام برد؛ دکتر خانلو به تهران عزیمت کرده‌اند و بقیه هم‌چنان در تبریز مشغول فعالیت هستند.

نتیجه‌گیری

تاریخچه روانپزشکی در تبریز جدا از تاریخچه آن در ایران و تاریخچه طب، پیشرفت علوم و پیدایش مراکز دانشگاهی نیست. روانپزشکی مدرن در تبریز از زمان تأسیس دانشگاه تبریز و بخش آموزشی روانپزشکی از سال ۱۳۳۱ به وجود آمده است.

سپاسگزاری

از همکاران محترم آقایان دکتر یونس نابدل، دکتر نصرت‌اله پورافکاری و دکتر نصرت‌اله خاقانی که اطلاعات مفیدی در اختیار این جانب گذاشتند بسیار سپاسگزارم. [بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، حمایت مالی از پژوهش و تعارض منافع وجود نداشته است].

منابع

1. Tabriz university publications. Forty-year history of Tabriz University: 1947 to 1987. Tabriz: Tabriz University Publications; 1987. [Persian]
2. Irantoorism. akairan. Iranshenasi-Irangardi. Azarbaijan-e-Sharghi. [Internet]. Tehran: Akairan; 2013[updated 2013, March 31th, cited 2014 February 17th]. Available from: www. Irantoorism.akairan.com. [Persian]

3. Zaka Y. Tabriz earthquakes. Tehran: Kavian; 1980. [Persian]
4. Sardarinia S, Baghcheban J. The most famous people of Azarbaijan. 2nded. Tabriz: Shaieste Publication; 2000. [Persian]
5. Omrani B, Esmaeily Sangary H. Historical area of Tabriz. Tabriz: Miras Book; 2006. [Persian]
6. Tabriz University. About university. Introduction & history [Internet]. Tabriz: Tabriz University. [updated 2010 June 19th, cited 2014 February 17th]. Available from: www.tabrizu.ac.ir. [Persian]
7. Raeisnia R. Azarbaijan through the history of Iran. Tabriz: Nima Publications; 1991. [Persian]
8. Khanloo M. Ancient Tabriz: Very old days up to now. Tabriz: Talash Tabriz; 1987. [Persian]
9. Encyclopaedia Islamica Foundation. Hospital. [Internet]. Tehran: Encyclopaedia Islamica Foundation; 2011. [updated 2011 September 28th, cited 2014 February 19th]. Available from: Encyclopaedia Islamica.com. index.php. [Persian]
10. Tabriz University of Medical Sciences. Health Care. Hospital & Clinics. Razi Hospital. Introduction & history. [Internet]. Tabriz: Tabriz University of Medical Sciences; 2011 [Updated 2011 October 7th, cited 2014 February 17th]. Available from: [www.portal-en.tbzmed.ac.ir /#Hospitals & Clinics](http://www.portal-en.tbzmed.ac.ir/#Hospitals%20&%20Clinics). [Persian]

